



طراحی ابزارهای مالی (اوراق سرمایه‌گذاری) با عایدات تصادفی منطبق با موازین فقهی شیعه

محمد آیینی*

نشست و این باعث نمی‌شود که بتواند نظر فقهی خویش را عملاً در جامعه اجرا نماید. بنابراین در این مقاله بررسی و تحلیل موضوع اصلی با

چکیده: در این مقاله سعی شده در خصوص پژوهش‌های علمی - کاربردی به چند نکته مهم و قابل توجه در حیطه مسائل شرعی و فقهی اشاره شده و زمینه‌های کاربرد فقه آل

با عنایت به اینکه در زمان حاضر بجز مجتهدین کسی نمی‌تواند موضوعی معتبر در زمینه‌های فقهی، مطرح نماید، لذا لزومی ندارد که غیرمجتهد به دنبال اثبات یک موضوع به لحاظ فقهی باشد، زیرا ممکن است در نهایت به یک نظر فقهی برسد که در کنار ده‌ها نظر فقهی دیگر خواهد نشست.

فصلنامه علمی اقتصاد

۷۶

سازمان
شماره ۳
۸۴

رعایت همین دیدگاه انجام شده است.

موضوع مقاله امکان‌سنجی طراحی ابزارهای مالی با عایدات تصادفی منطبق با موازین فقهی شیعه می‌باشد و وجه نو بودن موضوع تحقیق، تصادفی، نامتقارن و نامشخص بودن عایدات این ابزارهای مالی است. ما در پی آن هستیم که آیا طراحی این گونه ابزارهای مالی با توجه به مسائل و موازین شرعی و فقهی شیعه امکان‌پذیر است یا خیر؟ و چگونه می‌توان آن را طراحی نمود؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد راهکارهای فقهی متعددی برای طراحی ابزارهای مالی (اوراق سرمایه‌گذاری) با عایدات تصادفی وجود دارد که در این مقاله سعی شده است راهکار استفاده از عقد وکالت به عنوان بهترین راه‌حل معرفی شده، و از سوی دیگر حاکی از امکان‌پذیر بودن طراحی ابزارهای مالی با عایدات تصادفی با توجه به موازین فقهی شیعه می‌باشد. امید است مطالب ارائه شده در زمینه

محمد (علیه السلام) را به وضوح در طراحی ابزارهای مالی (اوراق سرمایه‌گذاری) نشان داده شود.

یکی از نکات کلیدی مطرح شده در خصوص پژوهش‌های فقهی، کاربردی است که دانش‌پژوه در این پژوهش‌ها به دنبال این است که موضوع مورد تحقیق عملاً در کشور اجرا شود، بنابراین او باید بیشتر به دنبال راهکارهای اجرایی موضوع باشد و بحث علمی محض، خصوصاً در مسائل فقهی چندان مفید فایده نخواهد بود! می‌دانیم که بجز مجتهدین (آن هم مراجع تقلید بلامنازع) کسی نمی‌تواند موضوع معتبری را در زمینه‌های فقهی با هدف اجرایی شدن مطرح نماید، لذا لزومی ندارد که غیرمجتهد به دنبال اثبات یک موضوع به لحاظ فقهی باشد، چرا که ممکن است در نهایت، به یک نظر فقهی برسد که در کنار ده‌ها نظر فقهی دیگر خواهد

توسعه ابزارهای مالی منطبق با موازین فقهی مؤثر بوده و افق‌های جدیدی را به روی دانش‌پژوهان عزیز بگشاید.

مقدمه: در ابتدا ضروریست به چند نکته مهم و قابل توجه در خصوص پژوهش‌های علمی-کاربردی در حیطه مسائل شرعی و فقهی اشاره نمود. بخصوص که دانشجویمان در شرف فراغت از تحصیل دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، علاقه‌مندند در موضوعاتی به تحقیق بپردازند که زمینه‌های عینی کاربرد فقه آل محمد (علیهم‌السلام) را به وضوح نشان دهد. از این رو، ترجیح داده شد که به این نکات ریشه‌ای و اساسی، حداقل در حد طرح موضوع پرداخته شود، تا انشاءالله، با بحث و بررسی اساتید و دانش‌پژوهان محترم، صحت و سقم موضوع معلوم شود.

نکته اول: با عنایت به اینکه در موضوعات کاربردی، دانش‌پژوه به دنبال این است که نتایج تحقیق به صورت عملی در کشور اجرا شود، باید بیشتر به دنبال راهکارهای اجرایی موضوع باشد، و بحث علمی محض چندان مفید فایده نخواهد بود و این مسأله خصوصاً در زمینه‌های شرعی و فقهی بطور مضاعف صادق است. با عنایت به اینکه در زمان حاضر، بجز مجتهدین کسی نمی‌تواند موضوعی معتبر در زمینه‌های فقهی مطرح نماید، لذا لزومی ندارد که غیر مجتهد بدنبال اثبات یک

نمایند که مراجع عظام تقلید چه منویاتی دارند و بر آن اساس، امکان‌سنجی و طراحی نمایند. به نظر من رعایت نکردن این نکته باعث شده است که تحقیقات و مطالعات قابل توجه دانشجویان و دانش‌پژوهان در این زمینه شکل عملی به خود نگرفته و نتایج این مطالعات به جای حل مشکلات تنها در آرشیو قرار بگیرد.

و اما نکته دوم اینکه وقتی دانش‌پژوهی به این نتیجه می‌رسد که یک نظر فقهی که برای افراد حقی قائل می‌شود امکان عملی شدن دارد، این به معنای لزوم استیفای حق نیست. مثلاً وقتی می‌گویند شما حق دارید خانه خود را بفروشید، به این معنا نیست که افراد نباید برون خانه خود را بفروشند. انجام این عمل بستگی به بررسی یک سری مصلحت‌سنجی‌هاست. یعنی افراد می‌روند مصلحت خود را می‌سنجند و بعد از آن، ممکن است از این حق قانونی خود استفاده کنند یا نکنند. در واقع اینکه افراد از این حق خویش استفاده کنند یا نه، نیازمند نگرش سیستمی است نه نگرش جزءگرایانه و اتمیک.

و نکته آخر اینکه، تعیین‌کننده حق، مصلحت‌سنجی نمی‌کند و شاید اصلاً این کار در صلاحیت وی نباشد. و مصلحت‌سنجی به عهده مسئولان امر و خود افراد است. طراحی ابزارهای مالی و موازین فقهی:

این مقاله درباره امکان‌سنجی طراحی ابزارهای مالی با

بررسی نگارنده نشان می‌دهد که از میان عقود اسلامی، عقود قرض الحسنه، سلف، شرکت (مشارکت مدنی)، صلح و هبه و وکالت قابلیت استفاده در طراحی اوراق سرمایه‌گذاری را بطور نسبی دارا می‌باشند.

عایدات تصادفی منطبق با موازین فقهی شیعه می باشد و وجه نو بودن موضوع تحقیق، تصادفی، نامتقارن و نامشخص بودن عایدات این ابزارهای مالی است. این مقاله در جستجوی آن است که آیا طراحی این گونه ابزارهای مالی با توجه به مسائل و موازین شرعی و فقهی شیعه امکان‌پذیر است یا خیر؟ و چگونه می‌توان آنها را طراحی کرد؟

تاریخ گذشته و معاصر ایران بیانگر آن است که انتشار ابزارها و اوراق مالی تحت عناوین مختلف با عایدات تصادفی، نامتقارن و از طریق قرعه، به عنوان یکی از اهرم‌های جذب پول و سرمایه در فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حتی فرهنگی و اجتماعی، مورد توجه بوده است و تلاش‌های

موضوع به لحاظ فقهی باشد. زیرا ممکن است در نهایت، به یک نظر فقهی برسد که در کنار دهها نظر فقهی دیگر خواهد نشست و این منجر به پیاده شدن آن نظر فقهی در جامعه نخواهد شد. چون او زمانی می‌تواند نظر خود را اجرا نماید که مرجع تقلید بلامنازع و یا حداقل دارای طیف وسیعی از مقلدین باشد. یا اینکه بتواند نظر مراجع تقلید را که قاطبه مردم از آنها تقلید می‌نمایند جلب کرده و آنها شیوه عملی وی را بپذیرند. بنابراین به نظر می‌رسد که تنها راهکار اصلی برای این گونه محققین، جلب نظر اکثر مراجع از همه راه‌های ممکن است. یعنی باید موضوع را با فتاوی تمام فقها تطبیق داده و بعد ببینند به چه راهکار واقعی می‌رسند. به عبارت دیگر، باید درک

چشمگیری نیز در این زمینه صورت گرفته، اما موانع عمده‌ای از بسط، توسعه و نوآوری در این زمینه جلوگیری کرده است. از جمله موانع مذکور و شاید عمده‌ترین آنها مخالفت مراجع دینی و علماء با انتشار این اوراق بوده است. روشن است که مخالفت ایشان نه از روی هوی و هوس، بلکه دلیل اصلی آن انطباق نداشتن ماهیت این ابزارها با موازین فقهی و شرعی بوده که با توجه به نکات پیش گفته، لازم است با توجه جدی به این موضوع سابقه آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و راهکار فقهی حل مسأله را پیدا کرد.

با نگاهی گذرا به آراء و اندیشه‌های فقهی درمی‌یابیم که بحث اعطاء جایزه، قرعه‌کشی، فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی، شرط‌بندی، فروش اوراقی مانند برگه‌های ارمغان بهزیستی و غیره در میان فقهای متأخر و معاصر به عنوان مسائل مستحدثه مورد مناقشه و کنکاش قرار گرفته است، هر چند با عنایت به اهمیت و حساسیت بحث شرایط زمان و مکان در اجتهاد پویا، ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از فقهای عظام و مراجع گرانقدر با استفاده از منابع اربعه و رعایت اصول استنباط و نوآوری زمینه را برای تسهیل در زندگی عموم مردم فراهم آورده و مفهوم «شریعت سبّحه و سهله» را در زندگی آحاد مردم جایگاه تازه‌ای بخشیده‌اند.

دلیل مخالفت شدید مراجع عظام تقلید با انتشار و فروش اوراق یا بلیط‌های بخت‌آزمایی، ربوی بودن معامله بود، زیرا مطابق موازین فقهی و شرعی، هرگونه قرار نفع، باطل و حرام است. به طور خلاصه می‌توان گفت تمامی مذاهب و فرق اسلامی، معاملات مبتنی بر ربا را منع کرده‌اند و حرام بودن ربا در قرآن،

سنت و آرای فقهای مسلمین ثابت گشته و ربا با تمام مصادیقش اعم از ربای معاملی، ربای فرضی یا معاوضی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود. یکی از اصول تأمین مالی اسلام، فارغ بودن از ریاست^۱ و همچنین فرقی نمی‌کند که قرار نفع (که موجب ریاست) به گونه‌ای صریح صورت گیرد یا اینکه صریح نباشد، ملاک آن است که بنای طرفین در حال عقد، اخذ نفع باشد.

از جهت دیگر، حتی بعضی از علماء، بلیط‌های شانس را نوعی قمار می‌دانند و از این حیث آن را حرام می‌دانند. به نظر می‌رسد شاید دلیل دیگر این مخالفت، رعایت نشدن اصل تلاش عادلانه^۲ و اصل محترم شمردن عمل انسانهاست. به عبارت دیگر در این روال، هر کس به اندازه تلاش (سرمایه

گذاری) خود، به منافع و عایدات عادلانه‌ای دست نمی‌یابد. و در واقع به نوعی واقعی جنبه دادن امور غیر واقعی و غیر منطقی است و رؤیای تصادف و یکباره پولدار شدن را تقویت می‌نماید.

در موضوع پرداخت جوایز از طریق قرعه‌کشی یا غیر آن توسط تجار، فروشندگان و بانک‌ها و غیره، مخالفت علماء به خاطر جلوگیری و منع از تصرف بر اموال غیر بوده، که این موضوع نیز به نص صریح قرآن کریم، سنت و اجماع ممنوع شده و تنها در صورت رعایت شرایطی که از سوی مراجع عظام تقلید در نظر گرفته شده، اینگونه فعالیت‌ها بلامانع است. بنابراین هرگونه طراحی اوراق و ابزارهای مالی برای پرداخت عایدات تصادفی باید به موانع و شروط اجماعی مدنظر شریف علماء و فقهای توجّه نماید. این موانع و شروط عبارتند از:

۱- ناشر اوراق، از محل منابع مالی خود یا شخص ثالث با کسب رضایت و اجازه از وی و یا از محل اصلی یا فرع (منافع) اوراق خریداری شده با کسب اجازه از تک‌تک خریداران یا قرض‌دهندگان، جوایز (عایدات) را از طریق قرعه‌کشی (بصورت تصادفی) پرداخت و توزیع نماید.

۲- خریداران اوراق یا قرض‌دهندگان یا همه‌کنندگان، به قصد شرکت در قرعه‌کشی و بردن جایزه اقدام به خرید اوراق یا قرض دادن یا هدیه دادن ننمایند و از سوی آنان شرط نشود. ضمن اینکه خرید و فروش صرف اوراق به صورت حقیقی، موضوعیت ندارد.

۳- به نظر بعضی از علماء، اخذ اذن حاکم شرع و وجود دستگاه نظارتی برای پرداخت عایدات تصادفی نیز شرط

مجری طرح (ناشر اوراق) می‌تواند وجوه را در قالب عقد قرض الحسنه دریافت کرده، بدون اینکه تعهد کند جوایزی را از طریق قرعه‌کشی به دارندگان اوراق پرداخت کند.

شده است.

حال که شروط تا حدی مشخص شد، سؤال عمده و مطرح این است که دریافت اصل وجوه اوراق، در چه قالبی و یا در قالب کدامیک از عقود اسلامی، با رعایت شروط فوق‌الذکر، می‌تواند صورت گیرد و یا مجاز می‌باشد؟

برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق ضروری است تمامی عقود اسلامی مطرح و موجود را بررسی و به تحلیل موارد نسبتاً مناسب پرداخت.

بررسی نگارنده نشان می‌دهد که از میان عقود اسلامی، عقود قرض الحسنه، سلف، شرکت (مشارکت مدنی)، صلح و هبه و وکالت قابلیت استفاده در طراحی اوراق مذکور را بطور

نسبی دارا می‌باشند که در ادامه هر یک از آنها را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - قرض الحسنه:

مجری طرح (ناشر اوراق) می‌تواند وجوه را در قالب عقد قرض الحسنه دریافت کرده، بدون اینکه تعهد کند جویزی را از طریق قرعه‌کشی به دارندگان اوراق پرداخت کند. چرا که تعهد پرداخت جایزه، چیزی جز قرار نفع منهی عنه نیست. و این تعهد، در واقع به مفهوم، شرط ضمن عقد قرض الحسنه است. می‌دانیم که شرط ضمن عقد، یک تعهد فرعی است که ضمن تعهد اصلی عقد قرار داده می‌شود. بنابراین رابطه‌ای که بین شرط و عقد، رابطه اصل و فرع محسوب می‌شود. بقای شرط منوط به بقای عقد است و طرفین عقد می‌توانند هر

شرطی که مورد نظرشان باشد در عقد قید نمایند، ولی باید توجه کنند که شرط از شروط باطله و مفسد عقد نباشد. مطابق نظر اکثر علمای فقه، از جمله شروطی که موجب بطلان عقد می‌شود، شرط خلاف مقتضای عقد است.^۱ بدیهی است تعهد و شرط اعطاء جایزه با ماهیت عقد قرض الحسنه در تضاد است و در واقع خلاف مقتضای آن است، یعنی آن عقد با این شرط وجهه و مجوز شرعی خود را از دست می‌دهد.

با توجه به مطالب پیش گفته، این معضل را می‌توان از دو راه حل کرد، نخست اینکه قرار نفعی در بین نباشد، قدر مشترک آراء علماء این است که چنانچه قرار نفعی چه صریحاً و چه غیر آن در میان نباشد و قرضی گرفته شود،

آن قرض صحیح است و اگر چیزی هم بدون قرار به قرض‌دهنده بدهند، حلال است. لذا راه حل اول این است که این شرط و تعهد برداشته شود و گفته شود که برای تشویق قرض‌دهنده جویزی تخصیص داده می‌شود، آن هم به صورت نامتقارن و با قرعه‌کشی. ماده ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۷/۸ نیز اشعار می‌دارد که بانک‌ها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ سیاست‌های تشویقی امتیازاتی از جمله اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه منظور نمایند. که این موضوع به مدعای ما جنبه قانونی می‌بخشد. همچنین به نظر می‌رسد غنایت قانون‌گذار به عبارت «غیر ثابت» به خاطر پرهیز از شبهه ربوی بودن معامله بوده است.

راه حل دوم اینکه به نظر می‌رسد بعد از آن که در قالب عقد قرض الحسنه، وجوه از مردم جمع‌آوری شد، قرض‌گیرنده در قالب عقد صلح، منافعی را به قرض‌دهنده اعطاء کند. مطابق نظر فقها و تعریف قانون مدنی از قرض به طور عام و قرض الحسنه بطور خاص، مشخص است که وقتی کسی مال یا پولی را قرض کرد مالک آن مال یا پول می‌شود و چون این اموال یا منفعت ملک اوست، طبق تعریف می‌تواند بخشی از مال یا منفعت را به دیگری صلح نماید؛ و این می‌تواند منوط به هیچ شرطی نباشد، چرا که صلح می‌تواند بدون عوض باشد. البته در اینجا، پیش‌شرطی وجود دارد مبنی بر اینکه در صورتی که اسم قرض‌دهنده از قرعه بیرون آمد، این صلح تحقق پیدا می‌کند که این شرط، شرط فاسدی نیست.

ب - عقد سلف:

در طرح‌های تولیدی در قالب عقد سلف می‌توان اوراقی را منتشر و به خریداران اوراق اطمینان داد که در سررسید جهت خرید محصولات در اولویت خواهند بود و قیمت اوراق به عنوان قسمتی از قیمت محصول به حساب خواهد آمد و حتی می‌توان به دارنده اوراق در سررسید جهت خرید محصول تخفیف ویژه و از پیش تعیین شده اعطاء کرد و اگر دارنده اوراق از خرید محصول منصرف شود، می‌تواند قیمت اسمی اوراق را بازپس گیرد. روشن است که می‌توان به جای تخفیف ویژه، جویزی را از طریق قرعه‌کشی جهت تشویق پیش‌خریداران به آنها

اعطاء نمود.

بنا به نظر مشهور فقها، در عقد سلف، باید قیمت جنس از قبل قبض گردد. لذا ممکن است این شبهه پیش آید که خریداران اوراق، عملاً تمام قیمت جنس را نمی‌پردازند. در جواب می‌توان گفت: امکان پیش‌خرید به صورت مشاع وجود دارد. البته این موضوع، پایه این روش را سست می‌کند. ضمن اینکه اولویت داشتن، مالکیت آور نیست.

ج - شرکت (مشارکت مدنی):

در قالب عقد مشارکت مدنی نیز می‌توان اقدام به جلب وجوه مردمی برای سرمایه‌گذاری کرد و به نظر می‌رسد از موفقیت خوبی برخوردار شده و زمینه مشارکت همگانی را نیز فراهم آورد. در این روش، علاوه بر اینکه خریداران اوراق در

در این روش، ناشر اوراق به عنوان وکیل خریداران اوراق یا سرمایه‌گذاران، وجوه حاصله را در طرح‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری می‌کند، ضمن اینکه موکلین می‌توانند ناشر اوراق را در پرداخت نامتقارن سود حاصل از سرمایه‌گذاری از طریق قرعه‌کشی و غیره نیز وکیل کنند.

کارشناسان



سود پروژه شریک هستند، ناشر اوراق می‌تواند از محل منابع مالی خود و غیره، اولویت و جایزه‌ای به طور تصادفی در اختیار آنها قرار دهد. البته در این مشارکت بحث مالکیت مشاع مطرح می‌شود و مشکلات عدیده‌ای در شرکت ایجاد می‌شود، ولی به عنوان یک راهکار شرعی قابل طرح است.

د- صلح و هبه:

در فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی، فرهنگی و حتی تولیدی با اهدافی والا مثل ایجاد مسکن برای خانواده‌های بی‌سرپرست، بی‌بضاعت و کم‌درآمد می‌توان اوراقی را منتشر کرد تا خریداران (پرداخت‌کنندگان وجوه) مبلغ اوراق را در قالب هدیه، واریز نمایند و سپس با رضایت همه، آنان از محل همان وجوه جوایزی را از طریق قرعه‌کشی و جهت تشویق هدیه‌کنندگان به آنان پرداخت کرد.

نکته مهم در این روش، مسأله رضایت و قبول هدیه‌کنندگان و یا قرض‌دهندگان در خصوص عقد قرض الحسنه است. یعنی با «رضایت» همه هدیه‌کنندگان و قرض‌دهندگان، دادن جایزه از محل پول آنها، خالی از اشکال است. آنچه در این روش اهمیت دارد

«رضایت» هدیه‌کنندگان است که در ادامه این موضوع را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اصول منطقی می‌گوید: انسان وقتی که می‌خواهد یک عمل حقوقی انجام دهد، به تجزیه و تحلیل منافع و مضار این عمل در ذهن خود می‌پردازد و پس از آن که منافع آن را برتر داند، میل و اشتیاق به انجام آن پیدا می‌کند، از لحاظ حقوقی، تمایلی که انسان به انجام عمل پیدا می‌کند «رضا» نامیده می‌شود، بعد از این مرحله است که تصمیم به اجرای میل خود می‌گیرد و این مصمم شدن به اجرای عمل را «قصد» گویند. اما این قصد و رضا، باید به وسیله‌ای اعلام شود، که امروزه زبان، مهم‌ترین وسیله تفهیم و تفاهم است. بنابراین رایج‌ترین وسیله اعلام قصد و رضا، گفتگو است. اما علاوه بر گفتگو، اشاره هم در صورتی که کاشف از مقصود باشد، کفایت می‌کند، نوشته و عمل هم می‌تواند مبین اراده باشد در صورتی که احتمال خلاف نرود. مثلاً وقتی که فردی به دکه روزنامه فروشی مراجعه می‌نماید و با گذاردن مثلاً ۲۰۰ ریال یک روزنامه برمی‌دارد و بدون هیچ گفتگویی محل را ترک می‌کند، روزنامه‌فروش هم اعتراض نمی‌کند، چنین عملی از لحاظ قانون مدنی هم صحیح است. یعنی مهم نیست که قصد و رضا به چه طریقی و یا به چه زبانی اعلام شود، خواه به وسیله تلفن باشد و یا تلگراف و خواه به زبان فارسی بیان شود یا

عربی. لذا در این خصوص، با توجه به آگاهی خریدار از عملی که انجام می‌دهد، می‌توان اقدام او را در این زمینه، دلیل بر رضایت وی محسوب نمود و جهت هر گونه رفع ابهام می‌توان در پشت برگه‌ها و اوراق و یا ته‌فیش آنها، امضاء هدیه‌کننده و یا قرض‌دهنده را طلب نمود.

ه- وکالت:

در قالب عقد وکالت نیز می‌توان اوراق سرمایه‌گذاری با عایدات تصادفی منتشر کرد. در این روش ناشر اوراق به عنوان وکیل خریداران اوراق یا سرمایه‌گذاران، وجوه حاصله را در طرح‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری می‌کند؛ ضمن اینکه موکلین می‌توانند ناشر اوراق را در پرداخت نامتعارف سود حاصل از سرمایه‌گذاری از طریق قرعه‌کشی و غیره نیز وکیل نمایند.

به نظر می‌رسد راهکار فوق، قصد و نیت موکلین را بیشتر معطوف به اصل قرعه‌کشی کرده و احتمال ورود به مرزهای منع شده فقهی می‌رود، پس باید زمینه‌ای را فراهم آورد که این شبهه نیز بر طرف شود. لذا راهکار جدید به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

«خریداران

اوراق به ناشر

اوراق، وکالت

می‌دهند که

وجوه

جمع‌آوری شده

را در هر مکانی که صلاح می‌داند سرمایه‌گذاری کرده و موکل می‌تواند در قبال این که ناشر را وکیل خود نموده در صد مشخصی از اصل پول را ماهیانه یا در پایان طرح بر مبنای سود و بر حسب شرایط از وکیل دریافت نماید.

در این حالت تصادفی بودن عایدات این گونه است که وکیل از محل حق‌الوکاله خود، به منظور ترغیب و تشویق موکلین نسبت به خرید اوراق جوایزی را از طریق قرعه‌کشی به آنها پرداخت نماید؛ ویژگی‌های این روش نسبت به موارد دیگر عبارت است از:

۱- این اتفاق مالی چون در یک ساز و کار عادی و رقابتی و با رعایت اصل تلاش عادلانه رخ می‌دهد، بنابراین نتایج مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، تضمین سود هم در کنار نیست، هر چند ممکن است به صورت تصادفی چیزی عاید موکلین شود، آنها در هر شرایطی چه سود و چه زیان باید حق‌الوکاله وکیل را بپردازند و او نیز قرعه‌کشی خواهد کرد. البته ممکن است پیشنهاد شود که ناشر (وکیل)، می‌تواند سود را تا حد معقولی تضمین نماید. اما در این حالت که احتمالاً وکیل زیان را به عهده می‌گیرد، سؤال این است که آیا این عهده گرفتن زیان از نظر فقه شیعه درست است؟ در حالی که او امین است ولو این که وکالت وی وکالت وسیعی باشد؟ در

الکلیات فقهیه



اینجا بین فقها، اختلاف نظر است، بعضی نظرشان این است که این شرط، شرط فاسدی است و بعضی آن را صحیح می دانند. و این مشکل با اینها حل نمی شود. اگر مرجعی قائل به صحت نبود یا فوت کرد چه باید کرد؟ لذا در مجموع می توان گفت، تضمین سود از سوی وکیل، ضمن این که بر خلاف اصول پیش گفته می باشد، به لحاظ فقهی نیز چندان صحیح نمی باشد.

۲- چون به خریداران اوراق دو نوع فایده تعلق می گیرد که یکی اصلی و دارای ارزش ذاتی (سود طرح) و دیگری فرعی (جایزه) است، لذا انگیزه آنها تقویت شده و استقبال خوبی خواهند داشت.

۳- چون محل تأمین جوایز، از مال خود وکیل تأمین می شود، مشکل و منع شرعی ندارد.

۴- چون حق الوکاله را می توان در مقاطع مختلف و حتی بخشی از آن را قبل از شروع طرح دریافت نمود، لذا این امکان فراهم می شود که قرعه کشی در موقع خرید اوراق یا هر وقت دیگر امکان پذیر باشد.

۵- چون موکلین (خریداران اوراق) در مالکیت طرح به صورت مشاع شریک خواهند شد، به لحاظ روانی نیز برای آنها جذاب خواهد بود.

به عنوان نتیجه گیری از کل بحث می توان گفت راهکارهای فقهی متعددی برای طراحی ابزارهای مالی (اوراق سرمایه گذاری) با عایدات تصادفی وجود دارد که راهکار استفاده از عقد وکالت به عنوان بهترین راه حل طرح و معرفی شد، این مباحث حاکی از امکان پذیر بودن طراحی ابزارهای مالی با عایدات تصادفی و منطبق با موازین شرعی می باشد و امید است مطالب ارائه شده در این زمینه در توجه بیشتر به کارآمد بودن فقه آل محمد (علیهم السلام) مؤثر بوده و افق های جدیدی را به روی دانش پژوهان عزیز بگشاید و همچنین در خصوص بعضی مسائل روز نظیر فروش برگه های ارمغان بهزیستی و غیر آن روشن گری لازم را داشته و به دغدغه خاطر عزیزان، جوابی داده باشم.

^۱ نص صریح هشت آیه مربوط به ربای مصطلح در فقه (آیات شریفه ۳۹ سوره روم- ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء- ۱۳۰ سوره آل عمران

- ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره) در حرم رباست.

2- Chibli, Mallat. (1988). The Islamic Law And Finance.

^۲ حسینی شیرازی، (جدید)، رساله توضیح المسائل، ص ۶۰۰.

4- Fare Gamie.

^۵ موسوی الخیمنی، (۱۳۶۷)، رساله توضیح المسائل، صص ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰.

- بهجت، (۱۳۷۵)، رساله توضیح المسائل، ص ۳.

- تبریزی، (۱۳۷۵)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۳.

- نجفی خوانساری، (۱۳۷۳)، رساله توضیح المسائل، ص ۴۱۵.

- صافی گلپایگانی، (۱۳۷۳)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵.

- صناعی، (۱۳۷۴)، رساله توضیح المسائل، ص ۴۷۹.

- ---، (۱۳۷۳) رساله توضیح المسائل مطابق با فتاوی پنج مرجع تقلید، ص ۸۳۶.

- مظاهری، رساله توضیح المسائل، (۱۳۷۵)، ص ۳۲۷.

- شیرازی، (۱۳۹۵ ه.ق)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۴.

- اراکی، (۱۳۷۳)، استفتائات، ص ۳۲۷.

- موسوی اردبیلی، (۱۳۷۳)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۸۸.

- موسوی خمینی، (۱۳۵۹)، رساله تحریر الوسیله، ص ۶۲۰.

- ---، (۱۳۷۹)، استفتائیه مستقیم از آیات عظام (آیت الله العظمی خامنه ای، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جواد تبریزی، زنجانی، بهجت، سیستانی،

صناعی و صافی گلپایگانی).

- مکی العاملی، (---)، اللمعه الدمشقیه، ص ۴۳۹.

- ---، الروضه البیہ فی شرح اللمعه الدمشقیه، کتاب الصلح، ص ۳۹.

- مؤسسه بانکداری ایران، (۱۳۷۲)، آشنایی با عقود اسلامی در ارتباط با قانون عملیات بانکی بدون ربا، ---.

^۶ خاوری، (۱۳۷۱)، حقوق بانکی (تشریح ماده ۲۳۳ قانون مدنی).

^۷ همان.

